

ارائه‌های علمی انگلیسی و فارسی: بررسی چگونگی جداسازی مطالب بااهمیت از کم‌اهمیت در پیکره‌های سخن و بیس^۱

زهرا کیوان لوشهرستانی^۲

جواد زارع^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۲۳

تاریخ تصویب: ۹۵/۷/۷

چکیده

هدف از انجام این پژوهش پیکره‌محور، بررسی چگونگی جداسازی مطالب‌های بااهمیت از کم‌اهمیت در ارائه‌های علمی انگلیسی و فارسی است. مقاله حاضر کوشیده‌است تا نشانگرهای مطالب بااهمیت را از نظر نقشی که در ارائه دارند، دسته‌بندی نماید. به این منظور، از روش تحقیق ترکیبی بهره گرفته شده‌است. به منظور یافتن نشانگرهای مطالب‌های بااهمیت، ۱۶۰ ارائه در پیکره بیس و ۶۰ ارائه در پیکره فارسی سخن، موردبررسی قرار گرفت. سپس این نشانگرها از لحاظ نقشی که در ارائه داشتند، گروه‌بندی شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد در سخنرانی‌های علمی، مجزا کردن مطالب‌های بااهمیت از کم‌اهمیت - بدون در نظر گرفتن گونه زبانی انگلیسی یا فارسی، با تکیه بر پنج نقش کلامی «سازمان‌دهی

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2016.2445

^۲ کارشناسی ارشد، مربی گروه مهندسی کامپیوتر، دانشگاه صنعتی اسفراین؛ keyvanlo@esfarayen.ac.ir

^۳ دکتری تخصصی، استادیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه کوثر بجنورد (نویسنده مسئول)؛ j.zare@kub.ac.ir

کلام»، «تعامل با مخاطب»، «پوشش موضوع»، «وضعیت مطلب»، و «ارتباط با امتحان» انجام می‌گیرد. علاوه بر این، جداسازی مطالب‌های بااهمیت از کم‌اهمیت صرفاً با تکیه بر یک نقش کلامی صورت نمی‌گیرد. افزون بر این، نشانگرهای نمایانده موضوع، اهمیت مطلب را فقط به صورت ضمنی نشان می‌دهند. همچنین، تعامل با مخاطب بیشترین فراوانی را در بین نشانگرهای اهمیت مطلب‌ها در ارائه‌های انگلیسی و فارسی به خود اختصاص داده‌است. به طور کلی، یافته‌های این مقاله نشان داد، برای مجزا کردن مطالب‌های بااهمیت از کم‌اهمیت در ارائه‌های انگلیسی و فارسی باید کلام را به سوی مخاطب سوق داد. به بیان روشن‌تر، ارائه‌دهنده‌ها بیشتر تمایل دارند برای تأکید بر مطالب‌های بااهمیت با مخاطب تعامل ایجاد کنند.

واژه‌های کلیدی: مطالب‌های بااهمیت، نقش در کلام، پیکره، پیکره-

محور، ارائه علمی انگلیسی، ارائه علمی فارسی

۱. مقدمه

با توجه به این که در عصر حاضر ارائه علمی^۱ در آموزش عالی اهمیت بسیاری دارد، می‌توان به کارایی آن از دو جنبه اشاره نمود. از یک جنبه، ارائه علمی به یک روش سریع و کارآمد برای آموزش بسیاری از دانشجویان در حوزه خاصی تبدیل شده‌است. باید در نظر داشت سخنرانی علمی روش بنیادین آموزش در دانشگاه است که بر پایه آن مدرسان، دانش نظری خود را به مخاطب ارائه می‌دهند (Conrad, 2004; Crawford Camiciottoli, 2007; Lee, 2009). به بیان دیگر، موفقیت مدرسان دانشگاه در زندگی حرفه‌ای به انجام موفقیت‌آمیز این امر بستگی دارد. از جنبه دیگر، دانشی که دانشجویان از ارائه علمی به دست می‌آورند، بخش گسترده‌ای از ارزیابی پایان هر دوره تحصیلی را در بر می‌گیرد (Sutherland & Badger, 2004). با توجه به پراکندگی اطلاعات شنیداری و دیداری در سخنرانی‌های علمی، تفسیر ارائه و یادداشت‌برداری از مطالب‌های مهم آن برای مخاطب

¹ academic lecture

امری دشوار است. لینچ (Lynch, 2011) اشاره می‌کند از آنجایی که مخاطب‌های ارائه بر روی ارائه‌دهنده کنترل ندارند، درک کامل سخنرانی برای آن‌ها دشوار است. بنابراین، تمایز اطلاعات بااهمیت از کم‌اهمیت در یادداشت‌برداری و درک مطلب‌ها توسط مخاطب لازم به نظر می‌رسد (مانند؛ Brown & Bakhtar, 1988; Flowerdew, 1994; Kiewra, 2002; Mulligan, 2000; Kirkpatrick, 1994; Lynch, 1994; Tyler, 1992; Williams & Eggert, 2002; Revell & Wainwright, 2009). با این وجود، هم‌گوشوران انگلیسی‌زبان و هم‌زبان‌آموزهای زبان انگلیسی، در جداسازی مطلب‌های بااهمیت از کم‌اهمیت با مشکل روبه‌رو می‌شوند (Lynch, 2004). البته، این مشکل برای گویشوران غیر انگلیسی‌زبان، بیشتر رخ می‌دهد. از دلایل این امر می‌توان به مواردی اشاره کرد از جمله: (۱) دانش زبانی محدود انگلیسی، (۲) شکاف در دانش طرح‌وارهٔ بافتی محلی^۱ آن‌ها، (۳) ناآشنایی با توزیع اطلاعات، شکل و ساختار کلی^۲ ارائه‌های علمی در سایر فرهنگ‌های دانشگاهی (Chaudron, 1986; Richards & Deroey, 2015; Duszak, 1997; Flowerdew, 1994; Olsen & Huckin, 1990; Nessi, 2001).

پژوهش‌های گوناگون نشان می‌دهد پاره‌گفتارهای سازمان‌دهنده کلام^۳ بر درک، یادداشت‌برداری و به یاد آوردن مطالب ارائه‌شده، تأثیر مثبتی دارد (مانند، Björkman, 2011; Jung, 2003; Kiewra, 2002; Lynch, 1994; Titsworth & Kiewra, 2004). پاره‌گفتارهایی که مخاطب را به نکته‌های مهم سخنرانی ارجاع می‌دهد، (برای نمونه، نکته این است که، یادتون باشه که، این این‌جا مهمه) نیز کارآمد هستند. مکچی (McKeachie, 1994) بیان می‌کند مخاطب در پی یافتن واژه‌ها یا پاره‌گفتارهای ویژه‌ای است که به او نشان می‌دهد باید به مطلبی توجه شود یا آن مطلب به خاطر سپرده شود. این پاره‌گفتارها با عنوان‌های دیگری مانند نشانگرهای ارتباط یا اهمیت^۴ (Crawford Camiciottoli, 2004, 2007; Deroey, 2014, 2015; Deroey & Taverniers, 2012)، عبارات اهمیت^۵ (Kiewra, 2002)، نشانگرهای تأکید^۶ (Jung, 2003)، مؤکدها^۱ (Bondi, 2008)،

¹ local contextual schematic knowledge

² macrostructure

³ discourse organizational statements

⁴ markers of importance or relevance

⁵ importance cues

⁶ emphasis markers

تأکیدکننده‌ها^۲ (Siepmann, 2005)، نشانگرهای برجستگی^۳ (Heino, Tervonen, & Tommola, 2002)، عبارات انتخاب^۴ (Titsworth & Kiewra, 2004)، و تمرکزکننده‌ها^۵ (Simpson, 2004) شناخته می‌شوند. در این میان، نشانگرهای ارتباطی یا اهمیت، پاره‌گفتارهای واژه-دستوری هستند که اهمیت نکته‌های شنیداری یا دیداری ارائه‌شده را آشکارا نشان می‌دهند (Deroey, 2014). برای بااهمیت نشان دادن مطالب با استفاده از این پاره‌گفتارها، ارائه‌دهنده باید سلسله‌مراتبی از اهمیت مطالب سخنرانی را ایجاد نماید. دیروی و تاورنیرز (Deroey & Taverniers, 2011) تا ارزیابی خود از اطلاعات را بر مبنای این سلسله‌مراتب اهمیت بیان کند (Thompson & Hunston, 2000).

با توجه به نکته‌های اشاره‌شده، دانش چگونگی ارائه مطالب بااهمیت، سخنرانی بسیار کاربردی خواهد بود. برای نمونه، از این دانش می‌توان برای طراحی دوره‌های آموزشی انگلیسی دانشگاهی^۶، به‌ویژه برای گویشوران غیر انگلیسی‌زبان بهره گرفت و به جدا نمودن مطالب بااهمیت از کم‌اهمیت در ارائه علمی اقدام نمود. با این وجود، پژوهش در این زمینه بسیار محدود است و دربرگیرنده آثار اندکی مانند (Crawford Camiciottoli, 2004, 2007؛ Deroey, 2015؛ Deroey & Taverniers, 2012) و فارسی (-Eslami, Zare, Rasekh, & Dabaghi, 2017) است که به‌طور ویژه بر ارائه‌های علمی انگلیسی تأکید کرده‌اند. همچنین می‌توان به پژوهش‌های (Adel, 2010؛ Thompson, 2003؛ Chaudron, Richards, 1986؛ Lin, 2010؛ Flowerdew, 1994؛ Biber, 2006؛ DeCarrico & Nattinger, 1988؛ Young, 1994؛ ۱۹۸۸) اشاره کرد که بر کاربرد نشانگرهای اهمیت توجه نموده‌اند. برای نمونه، کرافورد کامیسیوتلی (Crawford Camiciottoli, 2007, 2004) چگونگی پررنگ کردن مطالب مهم را در ارائه‌های علمی انگلیسی بررسی نمود. این مطالعه بر پایه پیکره کوچکی از ۱۲ ارائه انگلیسی با موضوع مطالعات بازرگانی و ۱۰ ارائه منتخب از پیکره مایکیس^۷ انجام شد و مبتنی بر شش ساختار پیش مرجع^۸ و شش

¹ emphatics

² emphasizers

³ saliency markers

⁴ selection cues

⁵ focusers

⁶ English for Academic Purposes

⁷ MICASE

⁸ retrospective

ساختار پس مرجع^۱ در پیوند با نشانگرهای ارتباطی بود. از میان این ساختارها که دربرگیرنده اسم‌های اشاره، صفت‌های ارتباطی^۲، اسم‌های فرازبانی و فعل ربطی بودند، دو ساختار فراوانی بالاتری داشتند. این ساختارها، از میان ساختارهای پیش مرجع، مشتمل بر «ضمیر اشاره - فعل - صفت»^۳ (مثل، این مهم است) و از میان ساختارهای پس مرجع «ادات معرفه - صفت - اسم - فعل»^۴ (همچون، نکته اصلی این است که) بودند. روی هم رفته، ساختارهای پس مرجع، فراوانی بالاتری در مقایسه با ساختارهای پیش مرجع داشتند. دیروی و تاورنیرز (Deroey & Taverniers, 2012) نیز بر پایه ۱۶۰ ارائه علمی مستخرج از پیکره بیس^۵، چگونگی نمایش مطالب بااهمیت در ارائه‌های انگلیسی را بررسی نمودند. آن‌ها با استفاده از روش تحقیق ترکیبی^۶ دریافتند بیان اهمیت در ارائه‌های انگلیسی با استفاده از ساختارهای واژه-دستوری که متشکل از ترکیب‌های گوناگون صفت، اسم، فعل و قید هستند، انجام می‌شود. آن‌ها این ساختارها را بر مبنای عنصر اصلی بیان‌کننده اهمیت مطلب، به پنج دسته تقسیم کردند. این پنج دسته مشتمل بر پاره‌گفتارهای اسمی، صفتی، فعلی، قیدی و مرتبط با آزمون بودند. در این میان پرکاربردترین ساختارها به ترتیب، مشتمل بر ساختارهای فعلی «فعل - جمله‌واره»^۷ (همچون، به یاد داشته باشید برده‌داری در حال حاضر منسوخ است) و ساختارهای اسمی «اسم - فعل ربطی»^۸ (همچون، نکته این است که) بودند. در پژوهش دیگری نیز دیروی (Deroey, 2015) ساختارهای به کاررفته در بیان مطالب بااهمیت در ارائه‌های انگلیسی را مورد بررسی قرارداد. وی با تأکید بر جهت‌گیری^۹ پاره‌گفتارها، آن‌ها را به دو دسته تعاملی^{۱۰} و متنی (محتوا)^{۱۱} تقسیم‌بندی کرد. ارائه‌های علمی بررسی شده در این تحقیق، از پیکره بیس استخراج شده بودند. یافته‌های این پژوهش نشان داد پاره‌گفتارهای نشان‌دهنده اهمیت مطالب با جهت‌گیری‌های متنی، مخاطب،

¹ prospective

² relevance adjectives

³ deic is adjectives

⁴ DET ADJ META N IS

⁵ BASE

⁶ mixed-methods

⁷ 'V - clause'

⁸ MN v-link

⁹ orientation

¹⁰ orientation to the participants

¹¹ orientation to the discourse

ارائه‌دهنده و مشترک به ترتیب ساختارهای «اسم - فعل ربطی»^۱، «فعل - اسم/جمله‌واره»^۲، «ضمیر اول شخص - فعل - اسم/جمله‌واره»^۳ و «ضمیر اول شخص - فعل - اسم/جمله‌واره»^۴ را داشتند. علاوه بر این، ساختارهای پس مرجع، پیش مرجع و مشترک از لحاظ موقعیت نشانگر، به ترتیب از الگوهای «فعل - اسم/جمله‌واره»^۵، و «اسم - فعل ربطی»^۶، «ضمیر اشاره - فعل ربطی - صفت»^۷، «ضمیر اشاره - فعل ربطی - اسم»^۸ و «ضمیر اشاره - فعل ربطی - صفت - اسم»^۹ و «ضمیر اول شخص - فعل - اسم/جمله‌واره»^{۱۰} و «ضمیر اشاره - فعل ربطی - صفت - اسم»^{۱۱} برای بازنمایی مطلب‌های بااهمیت، پیروی می‌کردند. بیشتر این نشانگرها به متن (همچون، نکته/این است که) یا مخاطب (به‌عنوان مثال، به یاد داشته باشید که) اشاره می‌کردند. همچنین، بسیاری از عبارتهایی که اهمیت مطالب را بیان می‌کردند، محتواگرا بوده و به شنونده گرایش ثانویه دارند (مثل، این‌ها چیزهایی است که باید به‌خانه ببرید). علاوه بر این، بیشتر نشانگرهای اهمیت محتواگرا، از لحاظ موقعیت پس مرجع یافت شدند.

تنها پژوهشی که تاکنون به بررسی چگونگی بازنمایی مطلب‌های بااهمیت در ارائه‌های علمی فارسی پرداخته‌است، مطالعه زارع و همکاران (Zare et al, 2017) است. این مطالعه که مبتنی بر رونوشت ۶۰ ارائه حقیقی فارسی مستخرج از پیکره سخن است با بهره‌گیری از روش تحقیق ترکیبی و یک رویکرد پیکره محور^{۱۲} انجام شده‌است. یافته‌های پژوهش زارع و همکاران (Zare et al, 2017) نشان داد می‌توان از صفت‌های ارزیابی^{۱۳} و اسم‌های فرازبانی^{۱۴}، پیوند زدن مطلب با امتحان و نیز مشارکت دادن ارائه‌دهنده یا مخاطب در ارائه برای بیان اهمیت بهره برد. علاوه بر این، ساختارهای به کاررفته در نمایش مطالب بااهمیت در ارائه‌های فارسی را همانند ارائه‌های انگلیسی می‌توان در یکی از پنج دسته گروه‌های

¹ MN v-link

² V n/clause

³ 1s pers pron V n/clause

⁴ 1s pers pron V n/clause

⁵ V n/clause

⁶ MN v-link

⁷ deic v-link ADJ

⁸ deic v-link MN

⁹ deic v-link adj MN

¹⁰ 1s pers pron V n/clause

¹¹ deic v-link adj MN

¹² corpus-driven approach

¹³ evaluative adjectives

¹⁴ metalinguistic nouns

اسمی، فعلی، صفتی، قیدی و گوناگون دسته‌بندی نمود. مهم‌تر اینکه، دخیل کردن ارائه‌دهنده یا مخاطب در ارائه با استفاده از ساختارهای فعلی، نیز بسیار تأثیرگذار از کاربرد روش‌های مستقیم بیان اهمیت مانند صفت‌های ارزیابی است. در نهایت، نشانگرهای اهمیت پس‌مرجع^۱ به دلیل اینکه مخاطب را قادر می‌سازند از پیش برای پردازش و یادداشت‌برداری مطالب مهم برنامه‌ریزی کند، پربسامدتر از نشانگرهای پیش‌مرجع^۲ هستند. با این توصیف، پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی چگونگی تفکیک مطلب‌های بااهمیت از کم‌اهمیت در ارائه‌های علمی انگلیسی و فارسی بپردازد. به ویژه اینکه، هدف از انجام این مقاله طبقه‌بندی نشانگرهای اهمیت مطالب با توجه به نقش کلامی^۳ آن‌ها است. به بیان روشن‌تر، نگارندگان به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که «آیا تفاوتی بین انگلیسی و فارسی در نوع و شمار این نقش‌های کلامی وجود دارد یا نه؟».

۲. روش پژوهش

در این پژوهش، از دو پیکره زبانی برای استخراج نشانگرهای مطلب‌های بااهمیت استفاده شد. این دو پیکره مشتمل بر پیکره انگلیسی^۴ بیس و پیکره فارسی سخن^۵ بودند. ۱۶۰ ارائه علمی درج شده در پیکره بیس، مبنای نشانگرهای اهمیت در ارائه‌های علمی انگلیسی در پژوهش حاضر بودند. این سخنرانی‌ها اغلب به وسیله پژوهشگرانی که گویشور انگلیسی بودند، ارائه شده و از چهار گروه رشته‌ای هنر و علوم انسانی (ah)، مطالعات اجتماعی (ss)، علوم فیزیکی (ps) و زندگی و علوم پزشکی (ls) انتخاب شده‌اند. از سوی دیگر، از ۶۰ ارائه علمی مندرج در پیکره فارسی سخن نیز برای بررسی چگونگی بیان اهمیت در

^۱ cataphoric

^۲ anaphoric

^۳ discourse function

^۴ پیکره BASE در دانشگاه‌های Warwick و Reading با راهنمایی Hilary Nesi و Paul Thompson ساخته شد. توسعه پیکره با حمایت مادی BALEAP، EURALEX، British Academy و Arts and Humanities Research Council صورت گرفت. این پیکره در Oxford Text Archive با آدرس <http://ota.ox.ac.uk/headers/2525.xml> قابل دسترسی است.

^۵ رونوشت‌های استفاده شده در این مقاله برگرفته از پیکره فارسی سخن است که در پارک علم و فناوری خراسان شمالی با مدیریت جواد زارع و زهرا کیوانلو توسعه یافت. ساخت این پیکره با حمایت مادی و معنوی پارک علم و فناوری خراسان شمالی و مجتمع آموزش عالی اسفراین صورت پذیرفت.

ارائه‌های فارسی استفاده شد. این سخنرانی‌ها که به وسیله پژوهشگران مرد گویشور انگلیسی‌زبان ارائه شده‌اند، از چهار گروه رشته‌ای مهندسی (es)، علوم انسانی (hs)، علوم پایه (bs)، و پزشکی (ms) به تعداد برابر جمع‌آوری و ضبط شده‌اند. روش پژوهش مشتمل بر روش ترکیبی^۱ بود. با توجه به این که در ابتدای کار، اطلاعات کمی درباره نشانگرهای اهمیت موجود بود، از طرح اکتشافی^۲ لودیکو و همکاران (Lodico et al, 2006) بهره گرفته شد. بدین معنی که، پس از تجزیه و تحلیل دستی و کیفی^۳ رونوشت سخنرانی‌ها برای پیدا کردن نشانگرهای اهمیت، تحلیل کمی^۴ بر روی این نشانگرها در ارائه‌های انگلیسی و فارسی انجام شد.

در انجام مرحله کیفی پژوهش، در ابتدا یک زیرپیکره متشکل از ۴۰ سخنرانی انگلیسی از پیکره بیس (۱۰ ارائه از هر گروه رشته‌ای) و ۲۰ سخنرانی فارسی از پیکره سخن (پنج ارائه از هر گروه رشته‌ای) ساخته شد. نگارندگان تلاش نمودند سخنرانی‌ها از جنبه گوناگونی موضوع و سطح پژوهشی یکسان باشند. در مرحله بعد، رونوشت سخنرانی‌ها به دقت مطالعه شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت تا پاره‌گفتارهایی که بیان‌کننده اهمیت مطالب هستند، کشف شوند. لازم به یادآوری است، پاره‌گفتارهایی که به پدیده-های غیر کلامی^۵ اشاره می‌کردند، پاره‌گفتارهایی که معلوم نبود مطلب کم‌رنگ شده در آن‌ها مربوط به گفتار یا غیر آن است و نقل‌قول‌ها و نمونه‌هایی که گفتار دانشجو یا شخص دیگری را روایت می‌کرد، بررسی نشدند. سپس از میان پاره‌گفتارهای یافت‌شده در مرحله پیشین، به‌عنوان کلید واژه^۶ برای یافتن سایر نشانگرهای اهمیت استفاده شد. همچنین مترادف‌ها و مشتقات این واژه‌ها و واژه‌های دیگری که نمایانگر مطالب بااهمیت بودند، به این فهرست افزوده شدند. پس از آن، با استفاده از نرم‌افزار اسکچ‌انجین^۷ و ورداسمیت^۸ (Scott, 2015) فهرستی^۹ از نشانگرهای احتمالی مطالب مهم مستخرج از کل پیکره بیس و

¹ mixed-methods

² exploratory design

³ qualitative analysis

⁴ quantitative analysis

⁵ world entity

⁶ lexeme

⁷ Sketch Engine

⁸ WordSmith

⁹ concordance

سخن، تهیه شد. نرم افزار اسکچ انجین و ورداسمیت به ترتیب ۲۳،۰۰۰ و ۱،۴۰۰ نمونه از نشانگرهای احتمالی مطالب مهم را برای ارائه‌های انگلیسی و فارسی استخراج نمود. در مرحله بعد، تمامی این نمونه‌ها به وسیله نگارندگان مقاله به صورت مجزا بررسی شدند تا مشخص شود آن‌ها بیانگر مطالب بااهمیت هستند یا نه. در نتیجه این بررسی، تعداد ۱،۳۵۰ و ۲۹۳ نمونه به عنوان نشانگر مطالب بااهمیت در ارائه‌های علمی انگلیسی و فارسی مشاهده شد. سپس، این نشانگرهای یافت شده در دو پیکره بیشتر مورد بررسی قرار گرفتند تا از لحاظ نقش در کلام^۱ - سازمان دهی کلام^۲، تعامل با مخاطب^۳، پوشش موضوع^۴، وضعیت مطلب^۵، و ارتباط با امتحان^۶ - دسته‌بندی شوند. در نهایت، در مرحله کمی تحقیق، بسامد هر یک از نقش‌های کلامی برای نشانگرهای اهمیت مطالب محاسبه شد.

۳. یافته‌های پژوهش

جدول (۱) بسامد نشانگرهای مطالب مهم را از نظر نقش در کلام در ارائه‌های کلاسی انگلیسی و فارسی نمایش می‌دهد.

جدول ۱: پراکندگی نشانگرهای مطالب‌های بااهمیت از لحاظ نقش در کلام

ارائه‌های انگلیسی		ارائه‌های فارسی		نقش در کلام
بسامد	درصد	بسامد	درصد	
۲۷۹	۲۰/۶۶	۸۲	۲۸	سازمان‌دهی کلام
۶۸۵	۵۰/۷۴	۱۳۴	۴۶	تعامل با مخاطب
۳۱۸	۲۳/۵۵	۵۹	۲۰	وضعیت مطلب
۵۵	۴/۰۵	۷	۲/۵	پوشش موضوع
۱۳	۱	۱۱	۳/۵	ارتباط با امتحان
۱۳۵۰	۱۰۰	۲۹۳	۱۰۰	مجموع

همان‌طور که جدول (۱) نشان می‌دهد، تجزیه و تحلیل ارائه‌های انگلیسی و فارسی نمایانگر پنج نقش کلامی برای عباراتی است که مطالب مهم را نشان می‌دهند. به بیان

¹ discourse function

² discourse organization

³ audience engagement

⁴ topic treatment

⁵ subject status

⁶ relating to exam

دیگر، اهمیت مطالب‌ها از طریق سازمان‌دهی کلام، تعامل با مخاطب، نشان دادن وضعیت مطلب، پوشش موضوع و ارتباط دادن با امتحان نشان داده می‌شود. هر چند پراکندگی این نقش‌های کلامی برای نشانگرهای مطالب مهم در ارائه‌های انگلیسی و فارسی متفاوت بود. در ادامه، هر یک از این نقش‌ها در پنج بخش پسین به‌طور گسترده بحث خواهد شد.

۱.۳. تعامل با مخاطب

تعامل با مخاطب به آن دسته از نشانگرها گفته می‌شود که در آن ارائه‌دهنده مخاطب را به بخش‌هایی از کلام سوق می‌دهد. در این دسته از نشانگرها، توجه مخاطب به بخش‌هایی از مطلب‌ها کشانده می‌شود که از نظر ارائه‌دهنده مهم هستند (۱، ۲ و ۳). این کار معمولاً با استفاده از گروه‌های فعلی مانند *یادتان باشد*، *توجه کنید*، *فراموش نکنید*، *یادداشت کنید*، *بفهمید*، *یاد بگیرید*، *بدانید*، *به خاطر داشته باشید*، *حفظ کنید*، *یادداشت کنید* و *خط بکشید* انجام می‌شود. این دسته از نشانگرها با فراکلام^۱ مدیریت مطلب^۲ ادل (Adel, 2010) و بیان اهمیت^۳ بیورکمن (Björkman, 2011) یکسان اند که آن‌ها با انتقال مطالب مهم با مخاطب مرتبط می‌شوند.

1. you need to bear in mind the broader context (ls1ct001)

2. I'd like you to learn them (ls1ct028)

۳. در این جا باید توجه کنید که (ms1ct001)

در پیوند با اهمیت این دسته از نشانگرها باید اشاره نمود که آن‌ها بیشتر بر اهمیت برخی مطالب دیداری ارائه‌شده، تأکید دارند (۴، ۵). علاوه بر این، برخی از نشانگرهای تعامل با مخاطب در پیکره‌ها یافت شد که در آن‌ها یک صفت ارزیابی مانند مهم قبل از عبارت فعلی آمده بود (۴). از آنجایی که صفت به کاررفته در این پاره گفتار، فقط برای توصیف گروه فعلی آمده‌است، این دسته از پاره گفتارها نیز به‌عنوان نشانگر تعامل با مخاطب دسته‌بندی شدند.

4. that's actually quite important to know (ss1ct032)

۵. دور شو خط بکشید (es1ct002)

¹ metadiscourse

² managing the message

³ signaling importance

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، نشانگرهای تعامل با مخاطب هم در ارائه‌های انگلیسی و هم در ارائه‌های فارسی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص دادند. این یافته با نتایج پژوهش ادل (Adel, 2010)، زارع و توکلی (Zare & Tavakoli, 2017) و بیورکمن (Björkman, 2011) هم‌سو است که در این آثار فرا کلام مدیریت مطلب و بیان اهمیت در زبان شفاهی بسیار پربسامد گزارش شده بود. فراوانی بالای این نوع نشانگرها را می‌توان این‌گونه تفسیر نمود که ارائه‌دهندگان دانشگاهی بیشتر تمایل دارند برای بیان مفهوم اهمیت با درگیر کردن مخاطب در کلام از تعامل با مخاطب استفاده کنند.

بهره‌گیری از این نوع نشانگرها در بیان اهمیت مطلب به نفع مخاطب است. دیروی و تاورنیرز (Deroy & Taverniers, 2012) می‌نویسند استفاده از چنین نشانگرهایی منجر به پردازش کارآمد مطلب‌های ارائه‌شده توسط دانش‌آموزها می‌شود. دلیل این امر آن است که در بیشتر نشانگرها مطلب مهم پس از عبارت بیانگر اهمیت می‌آید (۶). در نتیجه، این عبارت از قبل اهمیت مطالبی که قرار است بیان شود را به اطلاع مخاطب انتقال می‌دهند.

۶. دقت کنید، من نمی‌خوام بگم (hs1ct002)

۲.۳. سازمان‌دهی کلام

در سازمان‌دهی کلام، مطلب‌های ارائه‌شده به بخش‌های مطلب‌های بااهمیت، کم‌اهمیت و موارد حاشیه‌ای تقسیم می‌شود. در این دسته نشانگرها فقط پاره‌گفتارهایی که مطلب‌های مهم و نکته‌های اصلی ارائه را برجسته می‌کردند، بررسی شدند. در واقع پاره‌گفتارهایی که موارد حاشیه‌ای و کم‌اهمیت^۱ ارائه را نشان می‌دهند، در دسته نشانگرهای مطالب مهم قرار نگرفتند. سازمان‌دهی کلام، معمولاً با استفاده از واژه‌هایی مانند نکته، مسئله، چیز، ایده، مطلب، تمرکز، پیام، درس اخلاقی و حقیقت‌ام‌انجام می‌گیرد (۷، ۸ و ۹). این واژه‌ها، اسم‌های فرازبانی^۲ (Crawford Camiciottoli, 2004, 2007) و اسم‌های اشاره^۳ (Flowerdew, 2003) نامیده می‌شوند. از بین این اسم‌ها، واژه «نکته» به ترتیب ۹۰٪ و ۸۶٪ از نشانگرهای سازمان‌دهی کلام در ارائه‌های انگلیسی و فارسی را به خود اختصاص داده است.

¹ asides

² metalinguistic nouns

³ signaling nouns

7. the *message* from that slide really is that (pslct006)

8. so the *idea* today is that (ahlct006)

۹. به نکته‌ای که اینجا هست اینه که (hslct001)

در برخی از نشانگرهای سازمان‌دهی کلام، پاره‌گفتارهایی مشاهده شد که در آن‌ها بعد از اسم فرازبانی، یک فعل مانند به یاد داشته باشید، توجه داشته باشید و یاد بگیرید هم آمده بود (۱۰، ۱۱). هر چند این امکان وجود داشت که این پاره‌گفتارها را به‌عنوان نشانگر تعامل با مخاطب هم دسته‌بندی کرد. با این حال، از آنجایی که این پاره‌گفتارها بیشتر با نکته‌های ارائه سروکار داشتند، در دسته سازمان‌دهی کلام گنجانده شدند.

10. the second *lesson* to learn about this type of structure is that (pslct023)

11. so the first *point* to note is (pslct005)

همان‌طور که جدول (۱) نشان می‌دهد، سازمان‌دهی کلام به ترتیب دومین و سومین رتبه فراوانی را در بین نشانگرهای اهمیت مطالب در ارائه‌های فارسی و انگلیسی داشته است. بسامد بالای سازمان‌دهی کلام به‌عنوان یکی از روش‌های بیان مطلب‌های بااهمیت در ارائه را می‌توان به فراوانی بالای واژه‌نکته، نسبت داد که خود نشان‌دهنده نظام نکته‌محور ارائه علمی است (Olsen & Huckin, 1990).

۳.۳. وضعیت مطلب

نشانگرهای وضعیت مطلب با ارزیابی موضوع‌ها و مطلب‌ها به روشنی آن‌ها را بااهمیت، کم‌اهمیت و یا بی‌ربط جلوه می‌دهند. نشانگرهای این دسته، اهمیت و ارتباط را با استفاده از صفت‌های ارزیابی (۱۲، ۱۳) و قیدها (۱۴، ۱۵) بیان می‌کنند.

12. the only two *important* clinical features I've listed there (lslct033)

۱۳. این خیلی مهمه (eslct003)

14. rhinoviruses and more importantly it adapts to the challenge (lslct036)

۱۵. مهم‌تر اینه که این استراتژی (hslct002)

نمونه‌هایی از صفت‌ها و قیدهای ارزیابی به‌کاررفته در جداسازی نکته‌های بااهمیت از مطلب‌های کم‌اهمیت یا غیر مهم مشتمل بر مهم‌تر از همه، اساساً، در اصل، مهم، ضروری،

لازم، اساسی، اصلی، کلیدی، جالب، اولیه، قابل توجه و خوب هستند. در این میان، مهم در ۳۹٪ نشانگرهای وضعیت مطلب مشاهده شد و بیشترین فراوانی را داشت. فراوانی بالای مهم در مقایسه با دیگر قیدها و صفت‌های ارزیابی استفاده شده، برای بیان اهمیت در ارائه‌های انگلیسی و فارسی با یافته‌های بایبر و همکاران (Biber et al, 1999) و سوویلز و برک (Swales & Burke, 2003) هم‌سو است که آن‌ها دریافتند وجود واژه مهم از ویژگی‌های زبان دانشگاهی است.

در برخی نشانگرهای وضعیت مطلب اسم‌های فرازبانی مانند سؤال و چیز نیز علاوه بر زبان ارزیابی مشاهده شد (۱۶، ۱۷). از آنجایی که این اسم‌های فرازبانی به خودی خود اهمیت ندارند و برای برجسته‌نمودن مطلب‌ها به وجود زبان ارزیابی نیاز دارند، این پاره‌گفتارها در دسته نشانگرهای وضعیت مطلب دسته‌بندی شدند.

16. the essential questions that I want to address in talking about (pslct012)

۱۷. چیزی که مهمه این وسط اینه که (bslct005)

نشانگرهای وضعیت مطلب به ترتیب دومین و سومین جایگاه فراوانی را در ارائه‌های انگلیسی و فارسی داشتند.

۳. ۴. پوشش موضوع

پوشش موضوع، آن دسته از نشانگرهای مطلب‌های بااهمیت را در بر می‌گیرد که به میزان توجه ارائه‌دهنده به موضوع‌ها در هنگام پوشش آن‌ها اشاره می‌کنند. نشانگرهای پوشش موضوع مشخص می‌کنند چه موضوع‌ها و یا جنبه‌هایی از آن‌ها به صورت گسترده، خلاصه، یا محدود پوشش داده می‌شوند و یا به هیچ وجه شرح داده نمی‌شوند. نشانگرهایی که در مقاله حاضر در این دسته مورد بررسی قرار گرفتند مواردی هستند که نشان می‌دهند چه موضوعاتی باید با ذکر جزئیات و به صورت گسترده توضیح داده شوند (۱۸، ۱۹).

18. I shall be looking at in detail at the balance of power (sslct018)

۱۹. اینو باید مفصل توضیح بدم (eslct002)

آنچه پیرامون نشانگرهای پوشش موضوع مهم است، این است که آن‌ها اهمیت را به‌طور آشکارا بیان نمی‌کنند. در این دسته نشانگرهای مطلب‌های بااهمیت به صورت ضمنی

بیان می‌گردد. تعبیر این عبارات به‌عنوان نشانگرهای اهمیت مطلب بر این باور استوار است که با توجه به زمان محدود ارائه‌ها و حجم بالای مطالب ارائه‌شونده، فقط مطالب‌های مهم، به‌صورت گسترده و با ذکر جزئیات مورد بحث قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، مطالب‌هایی که مهم نیستند، یا به‌هیچ‌وجه توضیح داده نمی‌شوند و یا ارائه‌دهنده به‌صورت مختصر به آن‌ها اشاره می‌کند. علاوه بر این، نشانگرهای پوشش موضوع، اغلب به‌ندرت برای بیان اهمیت در ارائه‌های انگلیسی و فارسی به کار رفته‌اند. فراوانی پائین این دسته از نشانگرها را می‌توان ناشی از این امر دانست که در هر ارائه معمولاً فقط چند موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد. همچنین، اطلاعات مربوط به این که چه موضوعاتی در طول دوره تحصیلی پوشش داده می‌شود یا نمی‌شود، معمولاً در جلسه‌های آغازین هر دوره بحث می‌شود. بر این مبنا، از آنجایی که ما مطمئن نیستیم که ارائه‌های گنجانده شده در پیکره‌های سخن و بیس از ارائه‌های آغازین دوره تحصیلی هستند یا نه، نمی‌توان فراوانی محدود این گروه از نشانگرها را توضیح داد.

۳.۵. ارتباط با امتحان

ارتباط با امتحان، آن دسته از پاره‌گفتارهایی را شامل می‌شود که با ارتباط دادن مطلب مورد بحث به آزمون، میزان اهمیت آن را بیان می‌کند. در این دسته از نشانگرها، ارائه‌دهنده با بیان مطالبی که به احتمال بالا از آن‌ها در آزمون پرسیده می‌شود، بیانگر اهمیت هستند (۲۰، ۲۱، و ۲۲). در تمامی نشانگرهای این دسته، واژه‌های آزمون یا امتحان به چشم می‌خورد.

۲۰. سؤال امتحان همین (hs1ct001)

21. it's something we can sort of ask exam questions on (ps1ct011)

22. it is something that you can be examined on (ls1ct014)

همان‌طور که جدول (۱) نمایش می‌دهد، نشانگرهای ارتباط با امتحان به‌ندرت در دو پیکره یافت شدند. همان‌طور که اشاره شد، اطلاعات مربوط به امتحان پایان‌ترم و آنچه در آن مهم است، معمولاً در جلسه اول هر دوره تحصیلی ارائه می‌شود. از آنجایی که نمی‌توان دریافت ارائه‌های درج‌شده در پیکره‌های سخن و بیس از جمله ارائه‌های ابتدایی دوره

تحصیلی هستند یا نه، این امکان وجود ندارد که نادر بودن این دسته از نشانگرها را موجه نمود. البته، باید در نظر داشت مشخص کردن اینکه دقیقاً چه مطلب‌هایی در امتحان ارزیابی می‌شوند، می‌تواند باعث نادیده گرفتن مطلب‌هایی شود که به‌عنوان دانش نظری یک رشته ضروری هستند. اما به دلیل محدود بودن تعداد پرسش‌های آزمون، این مطلب‌ها معمولاً در امتحان پایان دوره نمی‌آیند. به بیان دیگر، در صورت استفاده پی‌درپی اساتید دانشگاه از این دسته نشانگرهای بیان اهمیت، فقط مطلب‌هایی که از آن‌ها در آزمون پرسیده می‌شود، اشاره می‌شود. بر این اساس، دانشجویان فقط خود را پایبند به مطالعه این مطلب‌ها می‌کنند. این رخداد بسیار برای آموزش عالی آسیب‌زننده خواهد بود.

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر مبتنی بر این باور بود که دانش چگونگی بیان مطلب‌های بااهمیت در ارائه‌های علمی می‌تواند باعث سهولت پردازش و یادداشت‌برداری هم‌زمان مطالب پراکنده ارائه‌ها توسط مخاطب شود. با توجه به شیوه پیکره‌محور مقاله حاضر، در تجزیه و تحلیل آن فقط پاره‌گفتارهای شفاهی مورد بررسی قرار گرفتند و از هرگونه نتیجه‌گیری کلی پرهیز شد. به طور کلی، یافته‌های این مقاله مواردی را در بر می‌گیرد؛ نخست اینکه، پژوهش حاضر نشان داد، صرف نظر از گونه زبانی انگلیسی یا فارسی، مهم جلوه‌دادن مطلب در ارائه‌های علمی به پنج روش انجام می‌شود: (۱) سازمان‌دهی کلام یا مرزبندی بین مطالب مهم و غیر مهم، (۲) تعامل با مخاطب یا سوق دادن مخاطب به بخش‌هایی از کلام که باید مورد توجه قرار بگیرد، (۳) پوشش موضوع یا بیان اینکه چه بخش‌هایی گسترده یا خلاصه توضیح داده می‌شود، (۴) وضعیت مطلب یا ارزیابی مطالب ارائه منطبق بر یک سلسله‌مراتب از اهمیت و (۵) ارتباط با امتحان یا بیان مطالبی که حتماً در امتحان از آن‌ها سؤال می‌شود. دوم اینکه، هر کدام از این نشانگرها لزوماً به صورت جداگانه استفاده نمی‌شوند. چرا که مواردی پیدا شد که در آن‌ها از ترکیبی از موارد بالا برای بیان اهمیت مطلب استفاده شده بود (برای نمونه، نکته مهمی که باید توجه داشته باشید این است که). سوم آنکه، بیان اهمیت در برخی از موارد به صورت ضمنی اتفاق می‌افتد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد، نشانگرهای پوشش موضوع اهمیت را به‌طور ضمنی نشان می‌دهند. در نهایت،

نشانگرهای تعامل با مخاطب بر سایر نشانگرهای اهمیت مطلب در ارائه‌های انگلیسی و فارسی چیرگی دارند.

به طور کلی، دست‌آوردهای این مطالعه را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که ارائه‌دهنده‌ها مایل هستند در سخنرانی‌های خود با مخاطب تعامل داشته باشند. بدین معنی که، ارائه‌دهنده‌ها فقط در پی ارائه دانش نظری خود نیستند و برای آن‌ها تفسیر مخاطب از مهم بودن مطالب ارائه‌شده، اهمیت دارد. در واقع، آن‌ها با درگیر کردن مخاطب و ارائه اطلاعات به شیوه‌ای که از قبل برنامه‌ریزی شده، بر آن انداز پردازش و یادداشت‌برداری هم‌زمان مطالب از سوی مخاطب اطمینان حاصل کنند تا آن‌ها به مطالب مهمی که ارائه می‌دهد توجه کافی می‌شود. از جنبه نظری، نقش‌های کلامی و نشانگرهای مطالب بااهمیت که در پژوهش حاضر یافت شدند، می‌توانند در پژوهش‌های تطبیقی، برای نمایاندن مطلب-های بااهمیت در دیگر گونه‌های علمی مانند همایش‌های علمی و مقاله‌های منتشرشده در مجله‌های علمی به کار روند. به لحاظ آموزشی، با این فرض که آموزش این نشانگرها منجر به افزایش درک مخاطب‌ها از ارائه‌های علمی انگلیسی و فارسی خواهد شد، می‌توان از یافته‌های این پژوهش برای تولید مواد آموزشی در زمینه افزایش مهارت شنیداری، تربیت مدرس و طراحی دوره‌های آموزشی شیوه ارائه نیز بهره گرفت. در پژوهش‌های آینده، بررسی چگونگی بیان مطالب بااهمیت در گونه‌های دیگر متن‌های نوشتاری ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر این، می‌توان پژوهش‌های بیشتری در پیوند با شیوه بیان اهمیت در متن‌های دانشگاهی با زبان‌ها، رشته‌ها و مقطع‌های گوناگون انجام داد.

منابع

زارع، جواد، عباس اسلامی‌راسخ و عزیزالله دباغی (۱۳۹۷). «این نکته‌ای که من می‌خوام اینجا دقت کنید»: برجسته کردن نکات مهم در ارائه‌های علمی فارسی. *زبان پژوهی*. سال ۹. شماره ۲۳. صص ۷۹-۱۰۳.

Ädel, A. (2010). Just to Give You Kind of a Map of Where we are Going: a Taxonomy of Metadiscourse in Spoken and Written Academic English. *Nordic Journal of English Studies*, 9 (2), 69-97.

Biber, D. (2006). *University Language: A Corpus-based Study of Spoken and Written Registers*. Amsterdam: John Benjamins.

- Biber, D., Johansson, S., Leech, G., Conrad, S., & Finegan, E. (1999). *Longman Grammar of Spoken and Written English*. London: Longman.
- Björkman, B. (2011). The Pragmatics of English as a Lingua Franca in the International University: Introduction. *Journal of Pragmatics*, 43 (4), 923–925. doi:10.1016/j.pragma.2010.08.015.
- Bondi, M. (2008). Emphatics in Academic Discourse: Integrating Corpus and Discourse Tools in the Study of Cross-disciplinary Variation. In A. Ädel & R. Reppen (Eds.), *Corpora and Discourse: The Challenges of Different Settings* (pp. 31–55). Amsterdam: John Benjamins.
- Brown, G. & Bakhtar, M. (1988). Styles of Lecturing: A Study and Its Implications. *Research Papers in Education*, 3 (2), 131–153. doi:10.1080/0267152880030204.
- Chaudron, C. & Richards, J. C. (1986). The Effect of Discourse Markers on the Comprehension of Lectures. *Applied Linguistics*, 7 (2), 113–127. doi:10.1093/applin/7.2.113.
- Conrad, S. (2004). Corpus Linguistics, Language Variation, and Language Teaching. In J. Sinclair (Ed.), *How to Use Corpora in Language Teaching* (pp. 67–88). Amsterdam: John Benjamins.
- Crawford Camiciottoli, B. (2004). Audience-oriented Relevance Markers in Business Studies Lectures. In G. Del Lungo Camiciotti & E. Tognini Bonelli (Eds.), *Academic Discourse: Linguistic Insights into Evaluation* (pp. 81–97). Bern: Peter Lang.
- Crawford Camiciottoli, B. (2007). *The Language of Business Studies Lectures*. Amsterdam: John Benjamins.
- DeCarrico, J. & Nattinger, J. R. (1988). Lexical Phrases for the Comprehension of Academic Lectures. *English for Specific Purposes*, 7(2), 91–102. doi:10.1016/0889-4906(88)90027-0.
- Deroey, K. L. B. (2014). Anyway, the Point I'm Making Is: Lexico-grammatical Relevance Marking in Lectures. In V. Lieven, K. Davidse, C. Gentens & D. Kimps (Eds.), *Recent Advances in Corpus Linguistics: Developing and Exploiting Corpora* (pp. 265–291). Amsterdam: Rodopi.
- Deroey, K. L. B. (2015). Marking Importance in Lectures: Interactive and Textual Orientation. *Applied Linguistics*, 36 (1), 51–72. doi:10.1093/applin/amt029.
- Deroey, K. L. B. & Taverniers, M. (2011). A Corpus-based Study of Lecture Functions. *Moderna Språk*, 105 (2), 1–22.
- Deroey, K. L. B. & Taverniers, M. (2012). Just Remember This: Lexico-grammatical Relevance Markers in Lectures. *English for Specific Purposes*, 31 (4), 221–233. doi:10.1016/j.esp.2012.05.001.
- Duszak, A. (1997). Cross-cultural Academic Communication. A discourse-community View. In A. Duszak (Ed.), *Culture and Styles of Academic Discourse* (pp. 11–39). Berlin: Mouton de Gruyter.

- Flowerdew, J. (1994). Research of Relevance to Second Language Lecture Comprehension: An Overview. In J. Flowerdew (Ed.), *Academic Listening: Research Perspectives* (pp. 7–29). Cambridge: Cambridge University Press.
- Flowerdew, J. (2003). Signalling Nouns in Discourse. *English for Specific Purposes*, 22 (4), 329–346. doi:10.1016/S0889-4906(02)00017-0.
- Heino, A., Tervonen, E., & Tommola, J. (2002). Metadiscourse in Academic Conference Presentations. In E. Ventola, C. Shalom, & S. Thompson (Eds.), *The Language of Conferencing* (pp. 127–146). Bern: Peter Lang.
- Kiewra, K. A. (2002). How Classroom Teachers Can Help Students Learn and Teach Them How to Learn. *Theory into Practice*, 41 (2), 71–80. doi:10.1207/s15430421tip4102_3.
- Lee, J. J. (2009). Size Matters: an Exploratory Comparison of Small-and Large-class University Lecture Introductions. *English for Specific Purposes*, 28 (1), 42–57. doi:10.1016/j.esp.2008.11.001.
- Lin, C. Y. (2010). That's Actually Sort of You Know Trying to Get Consultants in...: Functions and Multifunctionality of Modifiers in Academic Lectures. *Journal of Pragmatics*, 42 (5), 1173–1183. doi:10.1016/j.pragma.2009.10.001.
- Lodico, M. G., Spaulding, D. T., & Voegtle, K. H. (2006). *Methods in Educational Research from Theory to Practice*. San Francisco, CA: John Wiley & Sons.
- Lynch, T. (1994). Training Lecturers for International Audiences. In J. Flowerdew (Ed.), *Academic Listening: Research Perspectives* (pp. 269–289). Cambridge: Cambridge University Press.
- Lynch, T. (2004). *Study Listening: a Course in Listening to Lectures and Note Taking*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lynch, T. (2011). Academic Listening in the 21st Century: Reviewing a Decade of Research. *Journal of English for Academic Purposes*, 10 (2), 79–88. doi:10.1016/j.jeap.2011.03.001.
- McKeachie, W. J. (1994). *Teaching Tips: Strategies, Research, and Theory for College and University Teachers*. Lexington: Heath and Co.
- Mulligan, D. & Kirkpatrick, A. (2000). How Much Do They Understand? Lectures, Students and Comprehension. *Higher Education Research and Development*, 19 (3), 311–335. doi:10.1080/758484352.
- Nesi, H. (2001). A Corpus-based Analysis of Academic Lectures across Disciplines. In J. Cotterill, & A. Ife (Eds.), *Language across Boundaries. BAAL*, (Vol. 16. pp. 201– 218). London: Continuum.
- Olsen, L. A. & Huckin, T. H. (1990). Point-driven Understanding in Engineering Lecture Comprehension. *English for Specific Purposes*, 9 (1), 33–47. doi:10.1016/0889- 4906(90)90027-A.

- Revell, A. & Wainwright, E. (2009). What Makes Lectures 'Unmissable'? Insights into Teaching Excellence and Active Learning. *Journal of Geography in Higher Education*, 33 (2), 209-223. doi:10.1080/03098260802276771.
- Scott, M. (2015). *Word Smith Tools Version 6*. Stroud: Lexical Analysis Software.
- Siepmann, D. (2005). *Discourse Markers across Languages: A Contrastive Study of Second-level Discourse Markers in Native and Non-native Text with Implications for General and Pedagogic Lexicography*. New York: Routledge.
- Simpson, R. (2004). Stylistic Features of Academic Speech: The Role of Formulaic Expressions. In U. Connor & T. A. Upton (Eds.), *Discourse in the Professions: Perspectives from Corpus Linguistics* (pp. 37-64). Amsterdam: John Benjamins.
- Sutherland, P. & Badger, R. (2004). Lecturers' Perceptions of Lectures. *Journal of Further and Higher Education*, 28 (3), 277-289. doi:10.1080/0309877042000241751.
- Swales, J. M. & Burke, A. (2003). "It's Really Fascinating Work": Differences in Evaluative Adjectives across Academic Registers. In P. Leistyna & C. F. Meyer (Eds.), *Corpus Analysis: Language Structure and Language Use* (pp. 1-18). Amsterdam: Rodopi.
- Thompson, G. & Hunston, S. (2000). Evaluation: an Introduction. In S. Hunston & G. Thompson (Eds.), *Evaluation in Text: Authorial Stance and the Construction of Discourse* (pp. 1-27). Oxford: Oxford University Press.
- Thompson, S. E. (2003). Text-structuring Metadiscourse, Intonation and the Signaling of Organization in Academic Lectures. *Journal of English for Academic Purposes*, 2 (1), 5-20. doi:10.1016/S1475-1585(02)00036-X.
- Titsworth, B. S. & Kiewra, K. A. (2004). Spoken Organizational Lecture Cues and Student Note Taking as Facilitators of Student Learning. *Contemporary Educational Psychology*, 29 (4), 447-461. doi:10.1016/j.cedpsych.2003.12.001.
- Tyler, A. (1992). Discourse Structure and the Perception of Incoherence in International Teaching Assistants' Spoken Discourse. *TESOL Quarterly*, 26 (4), 713-729. doi:10.2307/3586870.
- Williams, R. L. & Eggert, A. C. (2002). Notetaking in College Classes: Student Patterns and Instructional Strategies. *The Journal of General Education*, 51 (3), 173-199. doi:10.1353/jge.2003.0006.
- Young, L. (1994). University Lectures: Macro-structure and Micro-features. In J. Flowerdew (Ed.), *Academic Listening: Research Perspectives* (pp. 159-176). Cambridge: Cambridge University Press.
- Zare, J. & Tavakoli, M. (2017). The Use of Personal Metadiscourse over Monologic and Dialogic Modes of Academic Speech. *Discourse Processes*, 54(2), 163-175. doi:10.1080/0163853X.2015.1116342.

Zare, J., Eslami-Rasekh, A. & Dabaghi, A. (2017). 'The point I want you to note is': Marking importance in Persian academic lectures. *Journal of Language Research*, 9 (23), 79-103 [In Persian].

